

کبری آسوپار

«ماجرای نیمروز» و اعدام‌های ۶۷

در نگاه اول «ماجرای نیمروز» صرفاً یک فیلم سینمایی است که چند ماه از روزهای سخت مردم ایران را در سال ۱۳۶۰ روایت می‌کند. اما نگاهی به اتفاقات سیاسی ایران در سال‌های اخیر و بعد فلاش‌بک به سال ۶۷ و اعدام‌های معروف اعضای سازمان مجاهدین خلق از سوی جمهوری اسلامی در کنار تماشای «ماجرای نیمروز» نشان می‌دهد که این فیلم سینمایی، فراتر از حوزه سینما، اتفاق قابل تأملی در حوزه سیاسی ایران است. نه فقط از این جهت که ۳۵ سال پس از ترور سران قوا در ایران، تازه اکنون کسی از اهالی سینما، آن هم کسی که در سال همان ترورها به دنیا آمده و تصویر مستقیم از آن فضا ندارد، آن اتفاقات را به سینما کشانده، بلکه از این جهت که فیلم می‌تواند به یکی از بزرگ‌ترین ادعاهای گروهک تروریستی مجاهدین خلق علیه جمهوری اسلامی پاسخ دهد: «جنایت جمهوری اسلامی علیه مجاهدین خلق.»

آیا جمهوری اسلامی صدها نفر از اعضای گروهک منافقین را حین درگیری یا بعد از دستگیری با حکم اعدام، کشته است؟ بله؛ در این شکی نیست. آیا این اعدام‌ها با عدم تلاش برای زنده دستگیری کردن اعضای مجاهدین خلق تصمیمی درست و قابل دفاع است؟ «ماجرای نیمروز» فقط یا چند روایت کوتاه از چند ماه در دهه ۶۰ مرگباری که مجاهدین خلق برای حکومت و ملت ایران رقم زدند، مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که چارهای دیگر نبوده است.

ماجرای نیمروز از یک دو قطبی درون گروهی میان اعضای تیم اطلاعات عملیات علیه منافقین روایت می‌کند. کمال و صادق که از جبهه‌های جنگ با صدام، برای مقابله با منافقین به تهران آمده‌اند، افعاضار را درست نمی‌دانند. کمال صراحتاً مخالف تلاش برای زنده دستگیری کردن آنهاست و معتقد است باید همه‌شان را کشت. روزی که دخترک پنج ساله‌ای که هدف ترور کور منافقین بوده، روی دست‌های کمال جان می‌دهد و او بازگشته از بیمارستان با لگد به جان ضارب می‌افتد، مخاطب به او حق می‌دهد. گرچه مسعود همچنان معتقد است نباید مثل خودشان بر خورد کرد و باید حرف زد. کمال با بغض می‌گوید آن دختر هنوز پنج سالش هم نشده بود… مسعود هم عضو تیم است؛ دور از فضای ذهنی کمال، بازجویی می‌کند، با حرف و نه با لگدا بعد یک روز که از اختیاراتش استفاده کرده و برای دختر توانی که قصد انفجار قطار مسافری را داشته و قبل از انفجار دستگیری شده و توبه کرده، شرایط ملاقات با مادر و خواهرش را در حیاط زندان فراهم می‌کند، به چشم می‌بیند که دختر نتواند با خواهرش در حیاط زندان با انفجار انتحاری می‌کشد. اینجا مخاطب فکر می‌کند که آیا می‌شود به کسانی رحم کرد که به خواهرشان هم رحم نمی‌کنند؟ مسعود همچنان به دنبال گفت‌وگوست، اما روزی بعدتر جنازه سوخته و پوست کنده برادر با پاسدارش را می‌آورد و هق هق گریه‌اش روی یک سینما می‌نشیند. همین مسعود است که در حمله به خانه تیمی موسی خیابانی صراحتاً می‌گوید که «هر چه زودتر بریزید و بکشید.» او هم به نتیجه می‌رسد که مجاهدین خلق زبان دیالوگ را نمی‌فهمند. عضو دیگر تیم هم که گاهی غمزه‌سای می‌زند که افسردار را زنده

دستگیر کنیم و کمک کنیم بر گردند، دل در گرو هم کلاسی سابقش دارد که حالا فهمیده در خانه‌های تیمی منافقین ساکن است. در نهایت هم وقتی می‌بیندش، اسلحه‌اش را پایین می‌آورد، اما اینکه نماینده حرکت جمهوری اسلامی اسلحه‌اش را پایین می‌آورد، دلیل نمی‌شود که نماینده منافقین هم اسلحه‌اش را پایین بیاورد؛ دخترک شلیک می‌کند. ماجرا ساده است، شما شاید به حرمت احساس چند سال پیش، منافع را نکشید، اما او حرمتی برای هیچ چیز باقی نمی‌ماند. مجاهدین خلق زبان احساس را نمی‌فهمند. صادق بر نفوذی بودن مسئول مخابرات و شنود تیم اصرار دارد. قبول نمی‌کنند و آزارش می‌کنند؛ او بعد از آزادی تماس می‌گیرد و می‌گوید که دیگر دستتان به من نمی‌رسد. مجاهدین خلق زبان رفاقت و اعتماد را نمی‌فهمند.

اجازه دهید چند تصویر کوتاهی را که ماجرای نیمروز از سال ۶۰ برای مردم یادآوری می‌کند، مرور ی‌گذرا کنیم:

انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت آیت‌الله بهشتی (رئیس دیوان عالی) و بیش از ۷۰ نفر از نمایندگان مجلس و وزرا…

-به رگبار بستن یک خانواده سه نفره

-انفجار دفتر نخست وزیر و شهادت رئیس‌جمهور و نخست وزیر ایران (و سه نفر دیگر)

-بستن راه مردم در وسط شهر با لباس سیاه و تظاهر به گشت شبانه و به رگبار بستن مردم و …

-ترور یکی از توابین مجاهدین خلق توسطبه دست خواهرش -شکست و کندن پوست و سوزاندن سه تن از پاسداران انقلاب اسلامی

همین وقایع که از تیر تا بهمن ۶۰ روایت می‌شود کافی است که توسل جمهوری اسلامی به خشونت برای برخورد با منافقین را موجه کند؛ حتی از همه کشتارهایی را که در یک فیلمنامه نگنجدیده و در طول سال‌های ۶۰ تا ۶۷ هزاران نفر از مردم ایران را به قتل رسانده، اضافه کنید؛ یا عاملان ترورها و یاری‌کنندگان این تروریسم گسترده چه باید کرد؟

ببینیم امام خمینی (ره) به عنوان رهبری که هزاران نفر از مردمش قربانی شده‌اند، با اینان چه می‌کند؟ امام دستور اعدام زندانی‌های مجاهدین را صادر می‌کنند؛ اما چه زمانی؟ بعد از ترورهای مسئولان ارتبه تبه کشور در تابستان ۶۰ بعد از ترورهای مردم کوچه و بازار و از همه سال‌های دهه ۶۰ و بعد از همکاری‌های گسترده با صدام حسین علیه مردم ایران در جریان جنگ تحمیلی؟ بعد از فروش اطلاعات مردم ایران به خارجی‌ها؟ نه؛ امام امت سلا‌ها صبوری می‌کنند. اما بعد از هفت سال که از آغاز مبارزه مسلحانه مجاهدین خلق با مردم و حکومت ایران می‌گذرد، دستور اعدام زندانی‌های منافقین را صادر می‌کنند.

این کند هم وقتی که رسماً با نام «فروغ جاویدان» به کشور حمله می‌کنند و مسعود رجوی صراحتاً زندانیان مجاهدین را نیروهای بالقوه عملیاتی می‌خواندند و آنها هم درون زندان جشن فروغ جاویدان بر گزار می‌کنند؛ آن هم با امام می‌فرمایند اگر بر سر موضع خود هستند، در حکم محاربه‌اند؛ یعنی اگر موضع‌شان عوض شده که هیچ، همچنان راه توبه باز است.

حال شاید بشود در یافت که حامیان انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری چرا این روزها از ماجرای نیمروز دلخور هستند و حرفه‌ای بودن آن را ندیده می‌گیرند، این فیلم بر همه مقابله خستنی که جمهوری اسلامی با مبارزه مسلحانه مجاهدین خلق می‌کند، صحه می‌گذارد و راه را بر روایت‌های جهت‌دار فایل‌های صوتی محرمانه‌ای کسه آفازدها منتشر می‌کنند، می‌بندد. فرمانده «ماجرای نیمروز» از تهران به ارتفاعات بازی دراز می‌رود تا نیرو بیاورد و تأکید می‌کند فکر کردید «فقط اینجا جنگ است؟ تهران هم جنگ است.»

منافقین در ماجرای نیمروز مثل منافقین در پیام سال ۶۷ امام در کنار دشمنان مجتازو خار می‌قرار می‌گیرند. ماجرای نیمروز با نمایش سینمایی فقط چند صحنه از جنایات منافقین، مخاطب را به نتیجه ۶۰ و نه تابستان ۶۷ و بعد از عملیات مرصاد، به این توطئه می‌رساند که وقتی شما نکشید، مردم تان کشته می‌شوند، همان مثال قدیمی ترحم بر پلنگ تیزدندان… پس بریزید و بکشید؛ آنها زبان انسانیت و شرافت را نمی‌فهمند.

۲ جوان

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک

📰 خبریک